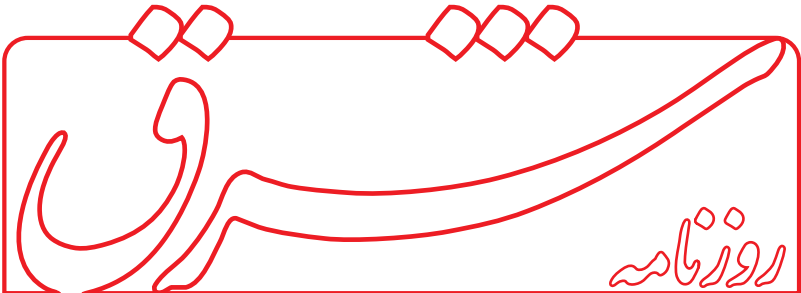




شوق

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسؤول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲، شماره: ۸۸۸۸-۷۱۹، تلفن اگهی ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۱۸۱۳۲۰
چاپ: روز تاب/ جاده مخصوص کرج، پخ زرین شماره ۴ تلفن: ۴۴۵۴۵۰۷۷

تهران : اذان ظهر ۱۲:۱۳ اذان مغرب ۱۸:۳۰ اذان صبح فردا ۴:۵۴ طلوع آفتاب ۶:۱۴



سه شنبه ۲۴ اسفند ۱۳۸۹ - ۱۰ اردیبهشت ۱۴۳۲ - ۱۵ مارس ۲۰۱۱ - سال پنجم - شماره پیاپی ۱۲۰۸ - شماره ۲۸۴ دوره جدید - ۲۰ صفحه



موسیقی «نوروز» در اروپا

گروه موسیقی «نوروز» به خوانندگی و سرپرستی صدیق تعریف در کشورهای مختلف اروپایی کنسرت موسیقی ایرانی و موسیقی کردی برگزار می‌کند. به گزارش مهر، گروه موسیقی نوروز، متشکل از صادق تعریف نوازنده دف و تنبک، نوید دهقان نوازنده کمانچه، حامد فکوری نوازنده تار و امین گلستانی نوازنده برپ، با خوانندگی صدیق تعریف در برنامه‌ای تحت عنوان «باغ و بهار و آینه» در کشورهای فرانسه، ایتالیا، سوئد، هلند و اندامارک به اجرای موسیقی ایرانی و قطعاتی از موسیقی مناطق مختلف کردستان می‌پردازند.

بوم رنگ

ماست بادمجان

فرورتیش رضوانیه

■ نیمه‌شب از خواب بیدار می‌شوید. فکر تان خیلی مشغول است. نامزدتان این روزها به خاطر چند اتفاق ناراحت است و برایش نگران هستید. خوابتان نمی‌برد. یادتان می‌آید که از صبح تا شب چیزی نخوردید. احساس ضعف و گرسنگی می‌کنید. از روی تخت بلند می‌شوید و به آشپزخانه می‌روید. یخچال پر از خوراکی‌های مختلف است اما میلی به خوردن هیچ کدام از آنها ندارید. ظرف ماست و بادمجان را برمی‌دارید و به طرف اتاق می‌روید اما میان راه یادتان می‌آید که قاشق نیاروید. دوباره به سمت آشپزخانه برمی‌گردید ولی ناگهان دست‌تان به لبه دیوار می‌خورد و ظرف ماست را می‌شود و روی زمین می‌افتد. زیر پایتان را نگاه می‌کنید. ماست به شعاع دو متر روی فرش پخش شده است. باورتان نمی‌شود که نصفه‌شب باید تمیزکاری کنید. روی زمین زانو می‌زنید و ماست ریخته شده را با قاشق جمع می‌کنید تا داخل ظرف بریزید. ولی می‌دانید که خیلی طول می‌کشد. با عجله داخل آشپزخانه می‌روید و یک قاشق چوبی بزرگ برمی‌دارید ولی پایتان لیز می‌خورد. برای اینکه تعادل تان را از دست ندهید، به اطراف چنگ می‌اندازید تا چیزی را بگیرید. در همین لحظه دست‌تان به سبد سیمی کنار ظرفشویی گیر می‌کند و آن را روی زمین می‌اندازید. تمام بشقاب‌های بلوری روی سر می‌کند. کف آشپزخانه می‌افتد و خرد می‌شوند. برای چند دقیقه همان جا می‌ایستید و به اینکه چطور بدبختی نیمه‌شب به سراغتان آمده، فکر می‌کنید. وقتی تمام ماست را جمع می‌کنید و دوباره داخل ظرف می‌ریزید، هنوز مقداری از آن روی فرش است. به آشپزخانه می‌روید. به خاطر دارید که مدتی قبل شامپو فرش را داخل کابینت زیر سینک دیده بودید. آن را همان جا پیدا می‌کنید. به هال برمی‌گردید و شامپو را روی فرش می‌ریزید، اما ناگهان سرتان گیج می‌رود. همیشه با اینکه مادر تان به خانه‌تان بیاید و به وسایل زندگی تان دست بزند مخالفت کرده‌اید، اما اهمیتی نمی‌دهد. شگ ندارید که کسی جز او نمی‌تواند وایتکس را داخل ظرف شامپو فرش بریزد و این تغییر مهم را روی آن ننویسد. نمی‌دانید چطور بوی وایتکس را از بین ببرید. مطمئن هستید که تا صبح نمی‌توانید با وجود آن بوی تند و بد و مزخرف بخوابید. تصمیم می‌گیرید فرش را داخل حمام ببرید و بشوید. نیم‌ساعت بعد وقتی کارتان تمام می‌شود، باخودتان فکر می‌کنید که چطور می‌توانید فرش را خشک کنید. تصمیم می‌گیرید دیگر هرگز نیمه‌شب سراغ یخچال نروید. فرش را نامی‌کنید و آن را تا تراس می‌برید. وقتی مشغول آویزان کردن آن از نرده‌ها هستید، چون سنگین شده، ناگهان از دست‌تان در می‌رود و به پایین سقوط می‌کند. داخل حیاط خام صاحبخانه، رنگاه می‌کنید. فرش دقیقاً روی قسمتی از باغچه افتاده که او بذر گل‌های هلندی‌اش را کاشته بود و از بچه‌هایش هم بیش تر به آنها اهمیت می‌دهد و رسیدگی می‌کند. کلافه هستید. روی میل می‌نشینید و فکر می‌کنید. نمی‌دانید صاحبخانه غرغروی زشت‌تان فردا چه حرف‌هایی به شما می‌زند. در همین لحظه به یاد همسر تان می‌افتید. از اینکه او هنوز با شما راحت نیست و درد دل نمی‌کند و همه چیز را توی خودش می‌ریزد، ناراحت هستید. وقتی یادتان می‌آید که کلی ظرف بلوری شکسته هم در آشپزخانه دارید، حالتان بدتر می‌شود. تصمیم می‌گیرید بخوابید. ظرف ماست را روی میز می‌گذارید و از جایان بلند می‌شوید. اما در جایان میخ‌کوب می‌شوید. کمی فکر می‌کنید. سرتان را به طرف میز بر می‌گردانید. ظرف ماست بادمجان خالی است و یک قاشق لیسیده هم کنارش است.

پیشخوان

«عیسای پادشاه»

در ویرتین کتاب‌فروشی‌ها



■ کتاب «عیسای پادشاه» اثر بزرگ رابرت گریوز منتشر شد. رابرت گریوز استاد بزرگ تاریخ و ادبیات یونانی و لاتین و از بزرگ‌ترین اسطوره‌شناسان قرن بیستم است. تاکنون کتاب‌های مهمی از او به فارسی ترجمه و چاپ شده است که می‌توان به خدایگان کلودیوس، اسطوره‌های یونانی و لاتین، قیصر و کسری اشاره کرد. عیسیای پادشاه کتاب مهم دیگر او یا پژوهش در تاریخ و اسطوره‌شناسی و درباره زندگی عیسی مسیح در قالب رمان تاریخی نگارش یافته است. فریدون مجلّسی، مترجم این کتاب در مقدمه می‌گوید: «کل داستان دارای ارزش ادبی و اسطوره‌شناسی است که شاعر، مورخ، زبان‌شناس و تاریخ‌دان بزرگ بریتانیایی، رابرت گریوز که او را شکسپیر قرن بیستم می‌نامند، همچون دیگر آثارش که بعضاً در شمار ۱۰۰ اثر ادبی برجسته قرن بیستم قرار دارند، به خوبی از عهده آن برآمده است.» کتاب عیسیای پادشاه در ۵۹۲ صفحه و با قیمت ۱۴۰۰ تومان توسط نشر «پایان» چاپ و روانه بازار کتاب شده است.

سکاس آخر

مترجم تاریخ نقد در گذشت

شیمایهره‌مند

■ دکتر سعید ارباب‌شیرانی استاد دانشگاه و مترجم مطرح و برجسته ایران روز شنبه ۲۱ اسفند، در سن ۷۳ سالگی به دلیل بیماری سرطان در آمریکا درگذشت. ارباب‌شیرانی در سال ۱۳۱۶ در اصفهان به دنیا آمد. او پس از دریافت کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه تهران، در سال ۱۳۴۰ برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت و از دانشگاه پرینستون درجه فوق لیسانس و دکترای ادبیات تطبیقی را دریافت کرد. سعید ارباب‌شیرانی مترجم اثر سترگ و هشت جلدی دشوار «تاریخ نقد جدید» اثر رنه ولک است. «تاریخ نقد جدید» یکی از مهم‌ترین آثارى است که تاکنون در حوزه تاریخ نقد ادبی منتشر شده است. میزان ارجاعات، دقت او در بررسی نویسندگان و کتاب‌هایشان و ویژگی‌های جریان‌های ادبی و نیز جامعیت دید او در بررسی مکاتب و تطبیق آنها با جریان‌های موازی فلسفی شگفت‌انگیز است. جلد هشتم و پایانی تاریخ نقد جدید را نشر نیلوفر به تازگی منتشر کرده است. کتاب «تاریخ نقد جدید» در دوره پانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. ایشان در یکی، دو دهه اخیر به ترجمه این اثر دشوار مشغول بود و تا این اواخر که به شدت بیمار بود، از کار روی این اثر دست نکشید و همان‌طور که خودش می‌گفت و ازروداشت آخرین جلد این اثر را با صرف ۲۰ سال از عمر خود به اتمام رساند و با انتشار جلد هشتم تاریخ نقد جدید کاری کارستان کرد، که بدون تردید در حلقه تاریخ نقد ادبی ایران ثبت شده، به یادگار خواهد ماند. ارباب‌شیرانی همان‌طور که خودش می‌گفت از سال ۱۳۷۰ به تشویق مترجم گرانقدر فقید، رضا سیدحسینی این پروژه را آغاز کرد و در تمام این سال‌ها چنان اعتقادی کار را پیش برد که حتی بیماری و مرگ همسرش که خودش می‌گفت سخت‌ترین اتفاق زندگی‌اش بوده و خواهد ماند و حتی بیماری سخت خودش، او را از کار باز نداشت. کار ارباب‌شیرانی بیشتر از آنکه به سرانجام رساندن یک کتاب یا پروژه‌ای فرهنگی یا برنامه‌ای دانشگاهی شبیه باشد، به یک حماسه شبیه‌تر است.

برداشت آخر

خواننده کردتبار ترکیه ترور شد

ابراهیم تاتلیس در کما



ابراهیم تاتلیس خواننده مطرح ترکیه شامگاه یکشنبه ۲۲ اسفندماه هنگام بازگشت از ضبط برنامه تلویزیونی مشهور خود «ایو شو» از کانال تلویزیونی «بیاض تی‌وی»، در استانبول مورد حمله مسلحانه قرار گرفت و به کما فرو رفت. به گزارش خبرگزاری فرانسه به نقل از روزنامه حریت، خواننده مشهور ترکیه که پس از سوءقصد و اصابت گلوله به سر، به بیمارستان انتقال یافته و سه بار مورد عمل جراحی قرار گرفته بود، به دلیل شدت جراحات به کما رفت. به گفته پزشکان گلوله از پشت وارد جمجمه ابراهیم تاتلیس شده و از قسمت جلوی سر او خارج شده است. اولویت نخست آنها جلوگیری از خونریزی است. پس از یک عمل جراحی پنج ساعته پزشکان اعلام کرده‌اند که ممکن است حتی اگر تاتلیس از این ترور جان سالم به در برد، احتمال دارد باقی عمر خود را فلج باشد. بنا بر این گزارش عبدالله گل، رئیس جمهور ترکیه و رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر این کشور از همان ساعات اولیه سوءقصد به تاتلیس، دستپوشی‌گیری این ترور و اقدامات درمانی لازم را داده بودند. گل، ساعاتی بعد از این ترور در یک مصاحبه مطبوعاتی از انجام اقدامات لازم برای نجات خواننده مطرح ترکیه از مرگ خبر داده بود. در جریان این سوءقصد که توسط عده‌ای ناشناس سوار بر ماشین مشکي صورت گرفت، دستیار تاتلیس هم مورد اصابت گلوله قرار گرفت. مهاجمان که دست‌کم دو نفر بوده‌اند ۱۱ بار به سوی اتومبیل تاتلیس شلیک کردند که دو گلوله به سر او اصابت کرد. گفته می‌شود دلیل ترور تاتلیس با آلبوم اخیر این خواننده بی‌ارتباط نیست. آلبوم جدید ابراهیم تاتلیس با نام Hani GelecektinHani اوایل سال ۲۰۱۱ به بازار آمد. در این آلبوم قطعه‌ای هست که در آن به هویت کرد – ترک

جمال رحمتی

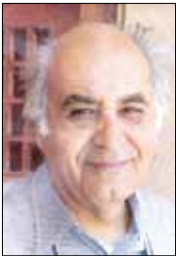
jamalrahmati@yahoo.com



پنجره

به یاد استاد سخن سنج و فرهیخته

رضانیلی‌پور



نقد ادبی، ترجمه دو اثر معروف در نقد؛ یکی «تخیل فرهیخته» نور ترپ فرای و دیگری مجموعه هشت جلدی «تاریخ نقد جدید» اثر رنه ولک بود. او استادی مهربان و بسیار علاقه‌مند به تدریس مشون نقد ادبی بود و دانشجویان خود را همواره با متون ادبی و آثار مهم ادبی آشنا می‌ساخت و هیچ‌گاه کلاس‌هایش را تعطیل نمی‌کرد. ی‌ساده مهربانش گرمای باد

که تا آخرین لحظات به بحث و تبادل نظر با شاگردانش نشست. ضمن تسلیت به فرزندانش علی و لیلی و برادر فرزانه‌اش حمید ارباب شیرانی، فقدان او را به جامعه فرهنگی و دانشگاهی تسلیت می‌گوییم.

*زبان‌شناس و مترجم

اتفاق

تجلیل از سپانلو و یک یادداشت

محمد هاشم اکبریان

همین بزرگداشت بود و بنابر این چگونه ممکن است این خبر با یک جمله که «گفتنی است...» قابل بیان باشد. گرچه عبارت «گفتنی است» در ابتدای پاراگراف آخر می‌توانست نشان‌دهنده آن باشد که مطلبی جدا از یادداشت است اما از آنجا که هیچ تفکیکی میان آن یادداشت و این پاراگراف وجود نداشت، بنابر این همه را یک‌دست و نویسنده آن را یک نشان می‌داد. این که دوستان روزنامه‌نگار بنا به شرایطی که در آن قرار دارند، نتوانند مطلبی را منتشر کنند امری است آشکار اما وقتی عکس آقای سپانلو، خاتم بهیانی و آقای دولت‌آبادی در گوشه یادداشت می‌آید باید خواننده بداند این عکس مربوط به کجا و چه برنامه‌ای است. در این خصوص هم اشاره‌ای در مطلب من به عکس نشده بود.

حتی در همان یادداشت از دیگر شخصیت‌هایی که در سال‌های گذشته مورد تجلیل جایزه قرار گرفتند نامی برده نشد زیرا درست نمی‌دانستم در یادداشتی که قرار است اشاره‌ای به کلیت کار کنید صرفاً به ذکر نام این بزرگواران بسنده شود. به هر تقدیر همان‌گونه که در آن یادداشت هم اشاره کردم پاری و همت خبرنگاران در برگزاری این جایزه اهمیت ویژه دارد و امیدوارم این همیاری تداوم داشته باشد تا بتوانیم نگاهی شایسته به بزرگان ادب این کشور داشته باشیم.

*دبیر جایزه شعر خبرنگاران

روز شنبه مورخ ۲۱ اسفند در صفحه آخر روزنامه شرق یادداشتی از من به چاپ رسید که پاراگراف پایانی آن (گفتنی است امسال در... حضور داشتند) نوشته این جانب نبود. در آن یادداشت کوتاه، بنابر این آن گذاشته بودم که تصویری کلی از چند دوره جایزه شعر خبرنگاران ارایه دهم و اشاره‌ای به اخبار و گزارش مراسم پایانی پنجمین دوره نداشته باشم. این نیز به این جهت بود که در خبرگزاری‌ها گزارش کامل این برنامه آمده بود و دوستان روزنامه‌نگار در روزنامه‌ها می‌توانستند این گزارش را در روزنامه خود منتشر کنند. در غیر این صورت اگر قرار بود گزارشی از آن برنامه (که محور آن تجلیل از جناب آقای سپانلو بود) ارایه دهم به چند سطر، آن هم در پایان یک یادداشت کوتاه، اکتفا نمی‌کردم.

نیک می‌دانم شان و جایگاه شخصیت ادبی بزرگواری چون آقای سپانلو (که آن روز از ایشان تجلیل به عمل آمد) و همچنین ارزش گفته‌های شخصیت‌های بزرگواری چون محمود دولت‌آبادی و سیمین بهیانی که در خصوص کارنامه و فعالیت‌های ادبی و نیز منش فردی و اجتماعی آقای سپانلو سخن گفتند، والا تر و مهم‌تر از آن است که در یک سطر یا پاراگراف به آن بپردازم. در آن برنامه از آقای سپانلو تجلیل به عمل آمد و طبیعی است که موضوع و خبر اصلی برنامه هم

جدایی نادر از سیمین

نویسنده: تهیه‌کننده و کارگردان

اصغر فرهادی



ایلا حاضمی، شهاب حبیبی
پریان ملائی، ساره هادی
نادر فرهادی، یاکانه کریمی
علی اصغر شیمزاری، شریین برهان پناهی، کیما حبیبی
و با حسن جولانی‌زاده
مدیر تولید: پریا رحمتی، محمدرضا شریین هادی، صفا باقری
جدا گنداری و میگل، محمد رضا علی‌کده، رضا توپچی زاده
مدیران: محمدرضا ملائی، ماکس حبیب محمدرضا
مدیر طرح: توفیق اسکندرفر سرمد گند، یاکانه باقری‌زاده
یختن فیلیپان



برنامه نوروزی بهترین سینماهای کشور